سردار محمدعلی صبور در گفت‌وگو با «جوان» از کم‌وکیف عملیات کربلای ۵ می‌گوید

کربلای ۵ شجاعانه‌ترین تصمیم جنگ بود

■ احمد محمدتبریزی

عملیات کربلای ۵ بزرگ‌ترین عملیات ایران در دفاع‌مقدس بود؛ عملیاتی که قدرت نظامی ایران را به تمام دنیا نشان داد و شورای امنیت را مجبور به صدور قطعنامه ۵۹۸ کرد. به اذعان بسیاری از کارشناسان نظامی عبور از موانع پنج ضلعی و نونی شکل عملیات کربلای ۵ کاری غیرممکن بود که رزمندگان موفق به انجامش شدند. عراق پس از کربلای ۵ در موضع ضعف قرار گرفت و صدام و فرماندهان رده بالای ارتش بعث را وحشت زده کرد. سردار محمدعلی صبور در زمان عملیات کربلای ۵ فرماندهی یکی از محورهای منطقه را برعهده داشت و به طور کامل در جریان انجام عملیات و عملکرد رزمندگان بود. به گفته صبور شدت آتش دشمن و نحوه چینش موانع، کربلای ۵ را به سخت‌ترین عملیات جنگ تبدیل کرده بود. موفقیت رزمندگان در این عملیات شگفتی کارشناسان نظامی را در جهان به دنبال داشت. صبور در گفت‌وگو با «جوان» از کم و کیف عملیات کربلای ۵ و تأثیراتی که بر روند جنگ گذاشت می‌گوید.

■■■

قبل از انجام دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ وضعیت جبهه‌ها به چه شکل بود و توازن قوا در اختیار ایران بود یا عراق؟

شرایط توازن قوا در جبهه چندین بار جابه‌جا شد. وقتی عراق حمله کرد بخشی از مناطق را اشغال کرد که منجر به آزادسازی آن توسط ایران شد. با وجود انجام دو عملیات موفق‌آمیز بیت‌المقدس و فتح‌المبین در برخی مقاطع مثل عملیات رمضان یا والفجر مقدماتی با مشکلاتی مواجه شدیم. منظور از موفق نشدن در جهت تصرف زمین بود وگرنه تلفات و امکانات زیادی از دشمن گرفتیم. بعد از عملیات والفجر مقدماتی خللی در جریان عملیات‌ها به وجود آمد و باعث شد فرماندهان عملیات‌ها را بیشتر بررسی کنند. شاهد بودم در تمامی عملیات‌ها روزانه ۱۵ ساعت جلسه برای نقاط ضعف و قوت عملیات‌ها انجام می‌شد. بعد از والفجر مقدماتی گره‌ای در جنگ به وجود آمد و فرماندهان متوجه شدند در تمام مسیرها عملیات انجام داده‌ایم و دشمن روی مناطق حساس شده است. شهید علی هاشمی فرمانده قرارگاه سری نصرت در منطقه هورالعظیم بود و یک روز به آقای محسن رضایی گفت من می‌توانم اینجا عملیاتی انجام دهم. پس از موافقت فرماندهان کارهای شناسایی انجام شد و بررسی‌ها صورت گرفت و عملیات موفقیت‌آمیز خیبر را انجام دادیم. دشمن را در این عملیات کاملاً غافلگیر کردیم. خودم در عملیات خیبر در جاده بصره-العماره عمل کردم و اتوبانی بین این دو شهر را بستیم. نتیجه‌اش خوب بود و جزیره مجنون که ذخیره نفتی بالایی داشت را گرفتیم. بعد از آن عملیات بدر بر اساس طرح عملیات خیبر صورت گرفت و بعد از آن اسکله البکر و الامیه را منهدم کردیم و عملیات والفجر ۸ را هم انجام دادیم که تمام این عملیات‌ها بر اساس تجربیات عملیات خیبر اجرا شد. خیبر راه و ذهن را باز کرد که می‌توانیم در دریا عملیات انجام دهیم. هورالعظیم بیش از ۱۰۰ کیلومتر طول و ۴۰ کیلومتر عرض دارد. در ۴۰ کیلومتر نمی‌توانیم همه جایش را طی کنیم و مثل جاده آسفالت انحراف و جاده فرعی ندارد و هواپیماهای عراقی می‌توانستند ۴۰ کیلومتر را با تیربارشان بزنند و بروند. اینها تجربیات مهمی بود که رفته‌رفته کسب کردیم. بعد از عملیات والفجر مقدماتی دیگر به صورت سالانه عملیات انجام می‌دادیم. انجام عملیات کار کوچکی نبود و امکانات و پشتیبانی نیاز داشت. در یک سال عملیات‌های ایذایی و محدود در سراسر جبهه‌ها انجام می‌شد و عراق می‌دانست ما سالانه یک عملیات بزرگ و اصلی داریم.

بیشتر این عملیات‌های سالانه را هم در فصل زمستان انجام می‌دادید؟

بله، چون از بُعد بسیاری مثل زرهی محدودیت داشتیم. در یک عملیات ۲۰۰ تانک را می‌زدیم عراق بلافاصله ۳۰۰ تانک جایگزین می‌کرد. ما از بعد زرهی ضعیف بودیم و اگر یکی می‌زدند امکان جایگزینی نداشتیم. در هوایی هم امکان جایگزینی هواپیما نداشتیم. ما عملیات‌هایمان شب برگزار می‌شد تا بتوانیم دشمن را تا حدود زیادی غافلگیر کنیم. در زمستان هم شب‌های خاصی صورت می‌گرفت. در جنوب مثل تهران و شمال دائم ابر و باران نیست. زمستان در خوزستان شبیه تابستان است. می‌گذاشتیم در شب‌های ابری عمل می‌کردیم. چون در هوای ابری استتارمان بیشتر می‌شد و عملیات که انجام می‌دادیم صبح معمولاً به هدفمان می‌رسیدیم. صبح عراق که برای بمباران می‌آمد در هوای ابری با محدودیت مواجه می‌شد. همین باعث می‌شد ما نسبتاً تثبیت موضع داشته باشیم. اگر باران هم می‌بارید برایمان خوب بود چون تانک و نفربرهای دشمن در گل گیر می‌کردند.

با توجه به این موارد کربلای ۴ را هم یک عملیات اصلی می‌دانید؟

کربلای ۴ عملیات اصلی ما بود. هیچ‌کس نمی‌گوید عملیات فرعی بود. آقای رضایی، مرحوم هاشمی رفسنجانی و شهید صیادشیرازی فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان اصلی جنگ بودند و خودشان هم می‌گویند کربلای ۴ عملیات اصلی بوده است. اگر گفته می‌شود کربلای ۴ عملیات فریب بوده به این دلیل است که پس از عملیات بزرگ‌ترین فرصت را پیدا کردیم تا دشمن را فریب دهیم و بزرگ‌ترین عملیاتمان را انجام دهیم. وقتی صدام دید ما در کربلای ۴ شکست خوردیم به مکه رفت و نیروهایش را مرخص کرد و نیروهای کمی در خط گذاشت. گفتند این عملیات اصلی ایران بود که شکست خورد و برویم تا سال دیگر که می‌خواهد یک عملیات دیگر انجام دهد. ما قرار نبود عملیات دیگری انجام دهیم ولی یک تصمیم شجاعانه باعث شد عراق در اصلی‌ترین محورش شکست بخورد. وقتی عملیات با شکست مواجه شد فرماندهان بررسی کردند اگر ادامه دهند تلفات بیشتر خواهد شد. کسانی که به آقای رضایی خرده می‌گیرند باید توجه‌شان را به خیانت منافقین جلب کنند. آنها بودند که باعث لو رفتن عملیات شدند. باید اول علت لو رفتن عملیات کربلای ۴ را بررسی کنیم و ببینیم چه کسانی خیانت کرده‌اند؟! وقتی بچه‌ها عمل کردند عراقی‌ها صددرصد آماده بودند. از هر محوری که عمل می‌کردیم ارتش بعث کاملاً هوشیار بود. دستور عقب‌نشینی نیز تصمیم هوشمندانه‌ای بود. می‌توانست عملیات ادامه پیدا کند و لشکرهای دیگری وارد شوند و تلفات هم بیشتر شود ولی فرماندهان این کار را نکردند. فرمان عقب‌نشینی تصمیمی تاریخی بود. معمولاً در چنین مواردی نیروها را ترخیص می‌کنند ولی آقای رضایی گفت به کسی مرخصی ندهید. فرماندهان را جمع کرد و طرح عملیات کربلای ۵ را ریختند و یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های نظامی را در جهان رقم زدند.

با توجه به اتفاقاتی که در عملیات کربلای ۴ افتاد رزمندگان به لحاظ روحی و روانی آمادگی انجام یک عملیات بزرگ دیگر را داشتند؟

فرماندهان و روحانیون با بچه‌ها صحبت کردند که تأثیر زیادی روی نیروها داشت. آقای صادق آهنگران که نقشش در جبهه‌ها مغفول مانده است جزو معدود مداحانی بود که نقش زیادی در بالا رفتن روحیه رزمندگان داشت. مجموع اینها باعث شد نیروها دوباره انگیزه اولیه‌شان را به دست آورند. کربلای ۵ شاخص‌هایی داشت که در هیچ عملیاتی نمونه‌اش در دنیا یافت نمی‌شود. دشمن فاصله بین خودمان و نیروهایش را آب انداخته و در آب سیم خاردار ثابت و حلقوی گذاشته بود. میـن ضدنفر و ضدتانک هم گذاشته و سطح آب را طوری تنظیم کرده بود تا کف قایق به زمین بخورد و به وسیله مین منفجر شود. از این طرف نیروهای پیاده پایش روی مین و سیم خاردار گیر می‌کرد. قبل از این موانع پنج ضلعی با سنگرهای بتونی بود. اگر کسی از بچه‌ها این موانع را از پیش‌رو بر می‌داشت و سالم می‌ماند یک عراقی پشت سنگر بتونی پشت تیربار می‌ایستاد و بچه‌ها را می‌زد. اگر آن سنگر سقوط می‌کرد آن یک سنگر به سه سنگر تبدیل می‌شد و دوباره کمی عقب‌تر پنج سنگر می‌شد و همینطور پله پله تلفات می‌گرفت. از آسمان هم فقط روی سر رزمندگان آتش می‌بارید.

> بصره یکی از مناطق حساس اقتصادی و سیاسی رژیم بعث بود. رسیدن به شمال و شرق بصره هدف عملیات کربلای ۵ بود. اگر بصره سقوط می‌کرد به یقین حکومت صدام هم سقوط می‌کرد. مسئولان سیاسی تلاش کردند عملیات بزرگی انجام شود تا در بعد سیاسی جنگ خاتمه پیدا کند

منطقه عملیاتی کربلای ۵ چقدر برای صدام و رژیم بعث مهم و حیاتی بود؟

بصره یکی از مناطق حساس اقتصادی و سیاسی رژیم بعث بود. رسیدن به شمال و شرق بصره هدف عملیات کربلای ۵ بود. اگر بصره سقوط می‌کرد به یقین حکومت صدام هم سقوط می‌کرد. مسئولان سیاسی تلاش کردند عملیات بزرگی انجام شود تا در بعد سیاسی جنگ خاتمه پیدا کند. هر چند در کربلای ۵ نتوانستیم به اهداف نهایی برسیم ولی یک سانتی‌متر از گرفتن عراق در منطقه بصره با مناطق دیگر خیلی فرق می‌کند. عراق می‌دانست گلوگاه اصلی‌اش این منطقه است. عراق دو شخصیت مهم در فرماندهی جنگ داشت. یکی ماهر عبدالرشید و دیگری وزیر دفاعش بود. صدام پس از کربلای ۴ هردوی آنها را مورد بازخواست قرار داد و خیلی از نیروهایش را اعدام کرد. بعد از آن صدام خودش روی عملیات به طور مستقیم نظارت داشت و امریکا، شوروی و فرانسه جدیدترین تجهیزاتشان را به عراق دادند. بمب شیمیایی زدند و بمباران هوایی کردند و تمام قوایش را آوردند. واقعاً قیامتی در منطقه بود. منطقه عملیاتی مثل فتح‌المبین و بیت‌المقدس وسیع نبود و منطقه محدودی داشت که باعث می‌شد تلفات بیشتر شود. هر گلوله‌ای که به زمین می‌خورد و منفجر می‌شد از ما تلفات می‌گرفت و واقعاً قیامت را در کربلای ۵ به چشم‌مان دیدیم.

کربلای ۵ چقدر در روند جنگ تأثیرگذار بود؟

نتیجه عملیات کربلای ۵ قطعنامه‌اش ۵۹۸ شورای امنیت بود. دشمن در طول جنگ ضربات سنگینی خورد و دنیا رفته‌رفته متوجه قدرت ایران شد. شکست محاصره آبادان، آزادی بستان، عملیات فتح‌المبین و آزادسازی خرمشهر هشدار بزرگی به دشمن بود. وقتی در دو عملیات رمضان و والفجرمقدماتی موفق نبودیم دشمن دوباره جان گرفت و شیوه انجام عملیاتش هم فرق کرد. گفت بهترین دفاع حمله است. دیگر دفاع نمی‌کرد تا ما حمله کنیم بلکه او حمله‌کننده بود. در عملیات‌هایی مثل خیبر و والفجر ۸ قدرت نظامی‌مان را به دشمن نشان دادیم. در والفجر ۸ کاملاً احساس خطر کردند. کربلای ۵ را که انجام دادیم دیدند بزرگ‌ترین خطوط دفاعی دنیا را فتح کرده‌ایم و برایشان باورکردنی نبود. یکی از فرماندهان کشورهای خارجی که بعد از عملیات کربلای ۵ منطقه را دید می‌گفت یقین‌دارم بزرگ‌ترین قدرت نیروی زمینی در جهان را ایران دارد. دنیا دیگر قدرتمان را باور کرد. بعد از کربلای ۵ عراق در موضع ضعف قرار گرفت و ایران دست برتر را در جنگ گرفت. امریکا و دیگر کشورها با تمام امکاناتشان به کمک عراق آمدند. واقعاً کربلای ۵ جزو عجایب بود و همین سبب شد شورای امنیت این قطعنامه مهم را تصویب کند. تا پیش از آن شورای امنیت دهها قطعنامه صادر کرده بود ولی سودی در روند جنگ نداشت. دنیا فهمید اگر صلح نشود صدام سقوط خواهد کرد. بسیاری از مفاد قطعنامه ۵۹۸ به سود ایران بود و این نتیجه عملیات کربلای ۵ بود.

گفت‌وگو

خاطره‌ای از عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در این عملیات

کانال ماهی از خون علی‌اکبرها سرخ بود

■ غلامحسین بهبودی

رضا محمدی یکی از بسیجی‌های گردان حضرت علی‌اکبر(ع) از لشکر ۱۰سیدالشهدا(ع) بود که همراه این گردان وارد عملیات کربلای ۵ شد. رزمندگان تهرانی به یاد دارند گردان علی‌اکبر در کربلای ۵ حماسه بسیاری خلق کرد. خاطره ورود غواصان علی اکبر به کانال ماهی را از زبان محمدی می‌خوانیم.

■■■

■ **گروهان غواص**

در کربلای ۵ مأموریت غواصان گردان خط‌شکن حضرت علی‌اکبر(ع) ورود به کانال ماهی و عبور از آن بود. همان اولین ساعاتی که عملیات شروع شد، به آب زدیم. سرما به قدری بود که مغز استخوانم تیر کشید. در آموزشی می‌گفتند وقتی یک لایه آب زیر لباس غواصی قرار گرفت، با گرمای تنتان، آب هم گرم می‌شود. آن شب اما هر چه منتظر ماندم، از سرما چیزی که کم نشد، بیشتر هم شد! ما باید در سکوت به طرف خط دشمن می‌رفتیم. ناگهان درگیری از این طرف و آن طرف شروع شد و همه جا را آتش فرا گرفت.

■ **مسلسل و آب**

عراقی‌ها مسلسل‌ها را روی آب قفل کرده بودند و به ردیف رگبار می‌بستند. انگار می‌خواستند شخم بزنند و بذر مرگ بکارند. منورها در آسمان جولان می‌دادند و همه جا را مثل روز روشن کرده بودند. وقتی یک گلوله انفجاری مثل توپ یا خمپاره روی آب منفجر می‌شد، ترکش‌هایش مثل نقل و نبات به اطراف پراکنده می‌شد. سرمان را داخل آب فرو می‌بردیم، اما داغی گلوله‌ها و ترکش‌ها در آب هم خودش را نشان می‌داد. اینجا من صحنه‌های عجیبی دیدم. آتش بود و گلوله و خون. شدت درگیری به حدی بود که هر لحظه یکی از بچه‌ها کشته یا مجروح می‌شد. من مردی را دیدم که وقتی ترکشی سرش را شکافت آن را بست و باز پیش رفت. جلوتر دوباره سرش ترکش خورد و باز پیش رفت. در لحظاتی دشمن به قدری در شلیک افراط می‌کرد که به جای آب، آتش می‌دیدیم. اینجا دیگر سکوت غواص‌ها معنا نداشت. گلوله می‌خورد و دو دست غواصی را قلم می‌کرد. سرش زیر آب می‌رفت و در حالت روانی پیش آمده، ناخواسته فریاد می‌زد و کمک می‌خواست. انفجار پشت انفجار و گلوله پشت گلوله آنقدر این طرف و آن طرفم می‌خورد که گیج شده بودم. نمی‌دانستم چکار باید کنم. پیش بروم یا به کنار دستی‌ام که داشت در آب فرو می‌رفت کمک کنم.

■ **گرمای دلنشین**

در یک لحظه احساس کردم بدنم گرم شد. گرمایی دلنشین. داشت از این وضعیت خوشم می‌آمد که دیدم دست چپم سنگین شد. دیگر از مغزم دستور نمی‌گرفت! کتفم هم شروع کرد به درد گرفتن و تیر کشیدن. زیر نور یک منور سوراخ کوچکی را دیدم که روی لباسم در ناحیه کتف ایجاد شده بود و قلپ قلپ از آن خون بیرون می‌زد. گرمای تنم از خونی بود که رویم می‌ریخت! خواستم توجه نکنم ولی امکان نداشت. یک دستم از کار افتاده بود و با دست دیگر نمی‌توانستم خوب شنا کنم. از طرفی خونریزی داشت ضعیفم می‌کرد. باید برمی‌گشتم و در راه هر مجروح بدحالی را که می‌دیدم با خودم به عقب منتقل می‌کردم. دیدم یک غواص سرش داخل آب است. به طرفش رفتم. شانه‌اش را گرفتم و از چیزی که دیدم جا خوردم. بنده خدا اصلاً سر نداشت. ترکش بزرگی سرش را کاملاً پرانده بود. رهایش کردم تا سراغ مجروحان دیگر بروم. از هر طرف فریاد کمک می‌آمد. در احادیث داریم کسی که در آب شهید شود اجرش بیشتر است. آن شب حکمت این حدیث را به خوبی درک کردم.

> منورها هنوز در آسمان جولان می‌دادند و مسلسل‌ها همچنان کانال را شخم می‌زدند، اما سیاهپوشان غواص مردانه به داخل آتش می‌زدند و برخی نیز توانستند از آن عبور کنند

■ **سرخ و زرد**

تعداد مجروحان زیاد بود. آنقدر که نمی‌دانستم به چه کسی کمک کنم. دیدم یکی از بچه‌ها که خودش هم از سرش خون جاری است، یک مجروح بدحال را گرفته است و به زور شنا می‌کند. به کمکش رفتم و به هر زحمتی بود آن بنده خدا را به ساحل رساندیم. دیگر رمقی برایم باقی نمانده بود. برگشتم و کانال را نگاه نکردم. آب سرخ، سیاه و زرد بود. منورها هنوز در آسمان جولان می‌دادند و مسلسل‌ها همچنان کانال را شخم می‌زدند، اما سیاهپوشان غواص مردانه به داخل آتش می‌زدند و برخی نیز توانستند از آن عبور کنند. آن شب گروهان غواص نتوانست در مأموریت محوله موفقیتی کسب کند، اما بچه‌های آبی خاکی گردان از محور دیگری وارد عمل شدند و بسیار هم موفق عمل کردند. لشکر ۱۰ توانست منطقه پنج ضلعی را که مملو از استحکامات بود آزاد کند. بعدها که از بیمارستان مرخص شدم، هر کدام از نیروهای لشکر که من را می‌دید، از شجاعت بچه‌های علی اکبر(ع) تمجید می‌کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۵۶۵

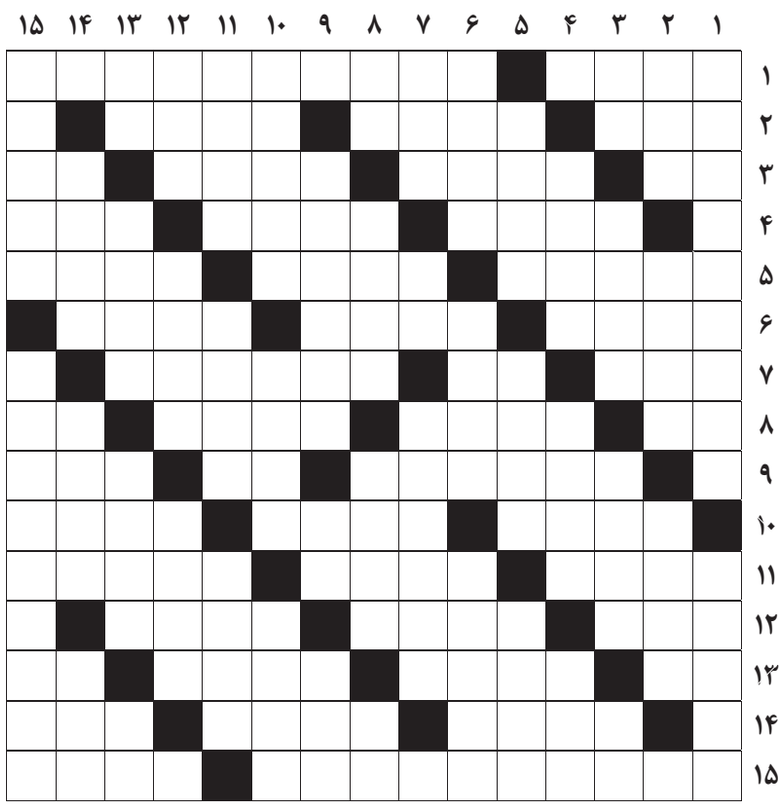

از راست به چپ

■ ۱- گفتن شهادتین در نماز- لقب غلامرضا تختی، قهرمان اسطوره‌ای کشتی ایران ■ ۲- نیزار خوزستانی- منشین با ... که صحبت بد/ گرچه پاکی تو را پلید کند- از بین بردن علف های هرز مزارع ■ ۳- راندن مزاحم- قتل سیاسی- برگه اقرار به وصول چیزی- عدد هندسی ■ ۴- روان و جاری- خراش یا شکاف باریک روی چیزی - خورشید ■ ۵- درجه ها- ستاره هلندی تیم فوتبال بایرن مونیخ آلمان- نوعی ساز بادی ■ ۶- ابله- دیکته- وسیله ایمنی در یک مدار الکتریکی ■ ۷- شش- کافی- از میوه هایی که خاصیت ضد سرطان دارند ■ ۸- مادر لر- بخشنده- استخوانی در بدن- مساوی ■ ۹- یکی از اسیدهای چرب ضروری است که در ساختمان برخی چربی‌ها وجود دارد که برای ادامه حیات بدن کاملاً ضروری است- سفید آذری- خو و عادت ■ ۱۰- از نام‌های بهشت- دوراندیشی- لایق و سزاوار ■ ۱۱- پارچه روبالشی- چربی آبگوشت- نخ بافتنی ■ ۱۲- از آهنگ ها موسیقی ایرانی- منجلاب؛ جای خطرناک- مامور حفاظت ■ ۱۳- سست و وارفته- مرکب پیامبر در شب معراج- نوعی پارچه- نقشه فرنگی ■ ۱۴- رشوه دهنده- مسابقه اسب‌دوانی- بازدارنده انسان از لغزش و گناه ■ ۱۵- درمانی برای بیماران سرطانی- شهری قدیمی که پایتخت باستانی سیستان بود

از بالا به پایین

■ ۱- بزرگ‌ترین اشتباه‌هایی که هنگام تربیت فرزندان مرتکب می‌شویم- فرمان شاهی ■ ۲- تکان شدید – خواب خوش- از نام های حضرت زهرا(س) ■ ۳- شامل همه- بهترین راه برای تخلیه سیگنال‌های مضر از بدن است – نژاد ما- رفوزه ■ ۴- دیگ دهان گشاد- از دعاهای مفاتیح- ثروتمند ■ ۵- از اوراق بهادار- شهری در نروژ- پایتخت لهستان ■ ۶- بهترین سرگرمی- مهد تمدن- کاردانی ■ ۷- سگ بیمار- پایتخت ایتالیا- بازپرس دادگستری ■ ۸- ضمیر اشاره- خرقه درویشی- نام دیگر حشره خرخاکی- ویتامین جدولی ■ ۹- توپ برگشتی از سبد بسکتبال- میوه خوب- جنگ افزار ورزشی ■ ۱۰- از شهرهای کره که میزبان بازی های آسیایی ۲۰۰۲ بود- محصول ساوه- گل محمدی ■ ۱۱- گرمای نیمروز- از خشکبار- مسابقات دوچرخه سواری ■ ۱۲- خلاصه خبر- بالاترین رنگ- قرائت کننده قرآن ■ ۱۳- تاکسی پرظرفیت- پرنده سحرخوان- هسته میوه- مروارید ■ ۱۴- میخ کوچک با سر مسطح و گرد- حیوان باربر- سلاح صبور ■ ۱۵- پول نیجر- عملیات غرورآفرین رزمندگان در منطقه شلمچه با رمز یا زهرا(۱۹ دی ۶۵)

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۸	۴		۹		
۶	۷							
	۳			۹		۵		
		۵	۳				۷	۸
۴					۱			
۹					۲			
			۷				۲	
			۲				۴	
	۵	۱						

جدول کلمات متقاطع
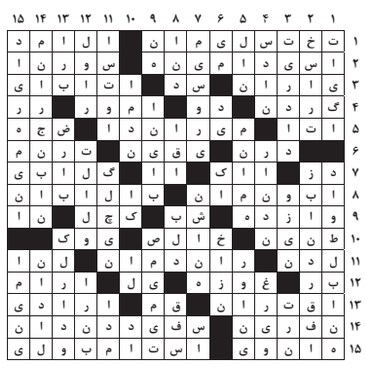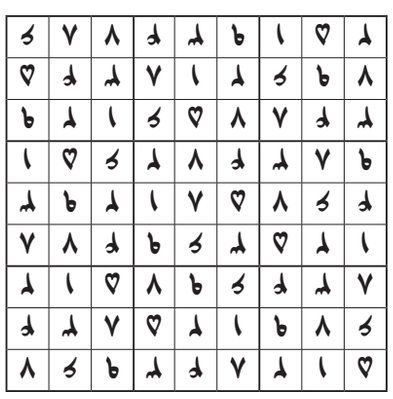
پاسخ جدول شماره ۵۵۶۴